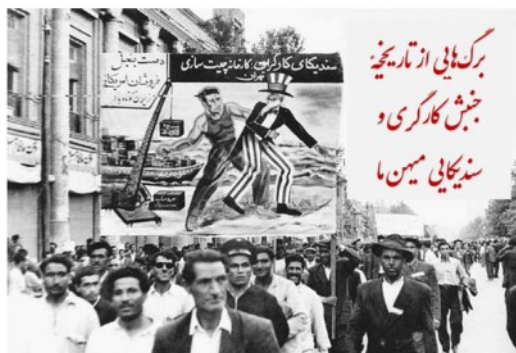


# کارگران همه کشورها متحد شوید!

## پویه پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش دهم

کنگره دوم حزب کمونیست ایران - سلف حزب توده ایران - با ارایه برنامه‌هایش علاوه بر بیان خواست‌ها و نیازهای کارگران توانست چشم‌اندازی مشخص را در برابر کارگران و زحمتکشان قرار دهد که خود سبب تقویت حزب شد.

بنابر نوشته رفیق کامبخش، "پس از کنگره دوم، آشفتنگی و ناهم‌آهنگی جای خود را به وحدت سازمانی و هم‌آهنگی در کار داد... و با ایجاد مؤسسات صنعتی، رفته رفته تمرکز بیشتری در صفوف طبقه کارگر به وجود آمد" [کتاب



برک‌هایی از تاریخچه جنبش کارگری و سندیکایی مین ما

نامه ضمیمه کارگری مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری،" صفحه ۳۴]. اتحادیه کارگران جنوب نیز که در سال ۱۳۰۴ با کمک برخی از فعالان حزب کمونیست ایران به وجود آمده بود به دلیل جو سرکوب‌کننده و جنایتکارانه تحمیل شده از سوی رژیم، نتوانست

ادامه در صفحه ۳

شماره ۷۶، ۲۰ شهریور ۱۴۰۲



## نان گران شد، بنزین گران می‌شود، دستمزد ترمیم نخواهد شد!

به‌رغم افزایش لگام‌گسیخته قیمت تمام مواد خوراکی، هزینه اجاره‌خانه، دارو، و خدمات درمانی، بار دیگر در پاسخ به خواسته کارگران و بازنشستگان برای ترمیم دستمزد و مستمری، رئیس سازمان بسیج کارگران و کارخانجات قبلی و معاون روابط

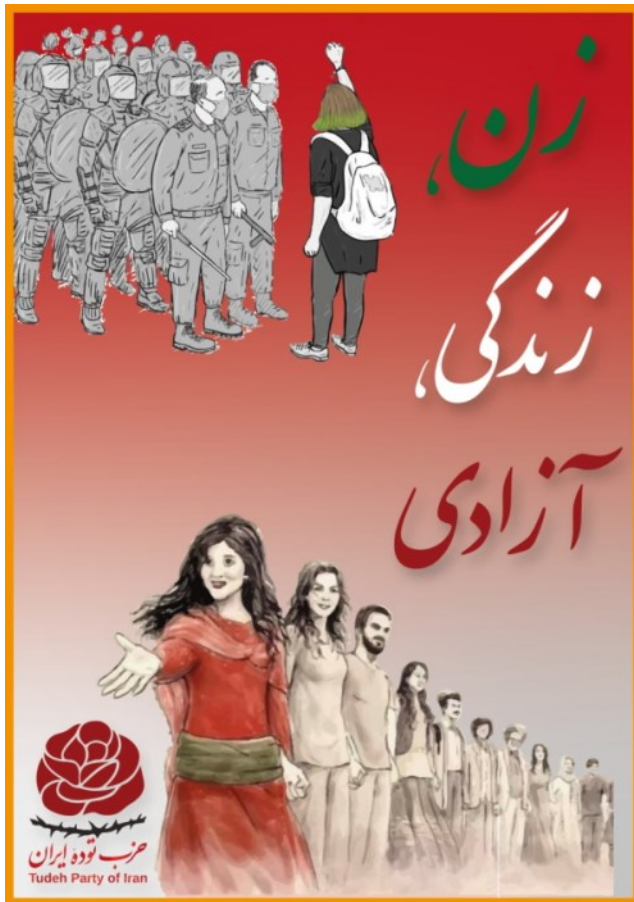
کار وزیر کار کنونی یعنی علی حسین رعیتی فرد روز ۴ شهریورماه ۱۴۰۲ با قاطعیت گفت: "مزد ترمیم نمی‌شود." در شرایطی که مطابق گزارش ۵ شهریورماه اینستا، در دو سال گذشته "یک تورم حداقل ۲۵۰ درصدی به سرفه‌های زندگی مردم تحمیل شده است"، رعیتی فرد افزایش ۸۷ درصدی دستمزد در این دو سال را یک "دستاورد" خواند. مطابق ماده ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد کارگران باید با توجه به درصد تورمی و به‌اندازه‌ای تعیین شود که زندگی یک خانواده کارگری را تأمین نماید؛ به عبارت دیگر، لفظ امری "باید" در بند دوم ماده ۴۱ الزام‌آور است. اما رعیتی فرد گفته است: "در قانون که گفته شده با توجه به نرخ تورم و سبب معیشت دستمزد تعیین شود، گفته نشده دقیقاً بر مبنای این دو مؤلفه دستمزد تعیین شود." رعیتی فرد افزوده بود: "خیلی از دوستان کارگری گفته‌اند کارگران در دهک سه و چهار هستند، دولت سعی دارد با پرداخت یارانه و کالابرج به دهک‌های یک تا پنج آسیب‌ها را کمتر کند." به عبارت دیگر، بعد از کنار گذاشتن هر دو مؤلفه ماده ۴۱ قانون کار با هدف آزادسازی کامل دستمزد و تجاوز وحشیانه به حقوق واقعی کارگران، رژیم ضد مردمی ولایت فقیه راه‌حل بهبود معیشت را دادن صدقه و یارانه می‌داند نه ترمیم دستمزد. اواخر مردادماه ۱۴۰۲ وزیر کار ضد مردمی رژیم سید صولت مرتضوی همراه با ادعای کاهش تورم و ایجاد دو میلیون شغل در دو سال اخیر، در ادعایی جدید در مقابل دوربین تلویزیون گفت: "بخش قابل توجهی از فقر مطلق 'ریشه‌کن' شده است. بر اساس گزارش ۳۱ مردادماه روزنامه اعتماد، بانک جهانی خط فقر مطلق را "خط درامدی" روزانه ۱٫۷۹ دلار تعیین کرده است که با درآمد پایین تر از آن شهروندان توان تأمین خوراک، پوشاک، و سرپناه را نخواهند داشت. به‌رغم وجود میلیون‌ها زحمتکش بیکار در صورتی که کارفرمایان تمام مزایای مزدی و دستمزد ۸ میلیون تومان در ماه کارگران شاغل را پرداخت کنند، حتی کارگران شاغل حداقل‌بگیر نیز زیر خط فقر مطلق قرار می‌گیرند. اواخر اردیبهشت ماه سال جاری علی آقامحمدی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفته بود: "دو هزار و ۲۰۰ محله و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت در سراسر ایران وجود دارد که از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند." همچنین مدیرکل پیشین مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون گفته بود: "۵۷ درصد از جمعیت ایران سوءتغذیه دارند و حداقل کالری روزانه را دریافت نمی‌کنند. در میان این جمعیت حدود ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بچه حضور دارند و در واقع یک فاجعه انسانی عجیب در حال اتفاق است." در یک چنین شرایطی وزیر کار "ریشه‌کن" شدن فقر مطلق را ادعا می‌کند. حسن صادقی، مهره امنیتی و معاون خانه کارگر، همراه با تلاش برای گرم کردن تنور انتخابات مجلس، روز ۱۳ شهریورماه ۱۴۰۲ اقرار می‌کند: "تشکل‌های کارگری هم اثرگذاری لازم را ندارند و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارند. جامعه کارگری از تشکل باید کاری دیده باشد که در حوزه سیاسی پشت سر تشکل کارگری بیاید. وقتی کارگر می‌گوید من با حقوق افزایش یافته ۲۷ درصد نمی‌توانم زندگی کنم، ما نتوانستیم برای این کارگر در مجلس کاری بکنیم."

## به مناسبت سالگرد خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» تقویت جایگاه جنبش کارگری در معادله‌های سیاسی و راهکارهای آن

یک سال از خیزش «زن، زندگی، آزادی» با خواسته‌هایی مردمی، ملی، و دموکراتیک می‌گذرد. این خیزش به‌منزله بخشی از رشته‌تحوّل‌های سیاسی جامعه و بحران چندلایه موجود، تکانه‌ای نیرومند در جامعه پدید آورد و دستاوردهایی معین نیز به‌همراه داشت. از مبارزه مردمی در دی‌ماه ۹۶ و خیزش آبان‌ماه ۹۸ که با خون‌تهدستان رنگین شد تا جنبش «زن، زندگی، آزادی» طیفی گسترده از طبقه و لایه‌های اجتماعی مخالف و منتقد دیکتاتوری ولایتی در پیکاری مشترک اما بدون برخورداری از جبهه‌ای فراگیر و ستاد فرماندهی‌ای ملی و میهنی، خواسته‌های‌شان را در شکل‌هایی متنوع به‌ویژه در تظاهرات خیابانی و روبرویی با گزندگان مسلح حکومت جمهوری اسلامی مطرح کردند و خواهان دستیابی به آن‌ها شدند. نقش و جایگاه طبقه کارگر در جنبش همگانی ضد

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایتی، تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!



ما در اینجا از اهمیت مبارزه سیاسی طبقه کارگر سخن می‌گوییم. به این ترتیب و از این مجرا است که از یک سو جنبش سراسری ضد دیکتاتوری تقویت و صف‌های آن تحکیم می‌شود و از دیگر سو طبقه کارگر و زحمتکشان به لحاظ سیاسی، نظری، و سازمانی بنیه و نقش‌شان را برای این مرحله و مرحله‌های بعدی بازسازی، تقویت، و تحکیم می‌کنند. امری که در مرحله کنونی یعنی گذار از دیکتاتوری احمیتی اصولی دارد.

این مسیر پریچ‌وخم و پرفرازونشیب با دشواری‌هایی عینی و ذهنی همراه است. اما در عین حال این مسیری واقعی و رو به برآورده ساختن نیازهای جامعه‌ما و منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت طبقه کارگر و متحدان آن در میان لایه‌های مختلف اجتماعی در پیکار با دیکتاتوری حاکم و مداخله‌های امپریالیسم است. هر قدر استقلال عمل طبقاتی و توأم با آن پیوند با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری تقویت شود، حرکت به سمت تغییر توازن قدرت به سود توده‌های مردم امکان‌پذیرتر و تسریع می‌شود و در چارچوب جبهه ضد دیکتاتوری‌ای فراگیر به هدف به‌زانو درآوردن دیکتاتوری ولایی و سپس راه‌گذار به مرحله ملی - دمکراتیک هموارتر می‌شود.

پویه‌ای که به آن اشاره کرده و بر آن تأکید می‌کنیم هم‌اکنون در چند سطح و لایه جریان دارد و ما در آن رشد آگاهی طبقاتی و سازمان‌دهی مناسب‌تر جنبش کارگری با توجه به امکانات موجود را شاهد هستیم. راهکارهای ممکن، عملی، و علمی پویه چندلایه و چندوجهی کنونی را به اختصار و فشرده می‌توان چنین برشمرد که عبارتند از: ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی، احیای حقوق سندیکایی، اتحاد عمل فراگیر و تشدید مبارزه اعتصابی، پیوند با جنبش سراسری و ارتقای آگاهی طبقاتی، رشد آگاهی سندیکایی و همچنین ایدئولوژیک - نظری کارگران پیشرو و مجموعه کارگران و زحمتکشان! در جریان مبارزه جاری ضرورت تقویت نقش و جایگاه جنبش کارگری برای تغییر توازن قوا و شکل‌گیری جبهه واحد ضد دیکتاتوری با وسیع‌ترین اتحاد عمل ممکن میان طبقه و لایه‌های اجتماعی متضرر از سیاست و عملکرد حکومت جمهوری اسلامی و نمایندگان سیاسی‌شان، درس و تجربه‌ای ارزشمند برای همه نیروهای میهن‌پرست، ملی، و انقلابی در سال‌گرد خیزش "زن، زندگی، آزادی" است.

## ادامه تأملی بر انزوای رهبری

دیکتاتوری و خیزش اخیر "زن، زندگی، آزادی" همواره یکی از مهم‌ترین مباحث بوده است. حضور کارگران و زحمتکشان در خیزش‌های مردمی علیه دیکتاتوری حاکم از جمله در خیزش "زن، زندگی، آزادی"، فارغ از سطح آمادگی و سازمان‌دهی و تأثیرگذاری، امری مهم بوده است. در گرماگرم مبارزات مردمی سال گذشته بیش از هر زمان دیگری اهمیت و ضرورت حضور متشکل و متحد طبقه کارگر و زحمتکشان خودنمایی می‌کرد و به مباحثی گوناگون در خصوص چگونگی این مشارکت به هدف تقویت جایگاه جنبش کارگری دامن می‌زد. این بحث‌ها کماکان از مهم‌ترین و جدی‌ترین مباحث در جنبش کارگری، حرکت‌های سندیکایی، و نیز در مجموعه جنبش همگانی ضد دیکتاتوری است.

در بررسی‌ای تطبیقی می‌توان به روشنی دید که کارگران و زحمتکشان و حرکت‌های سندیکایی موجود در جریان خیزش "زن، زندگی، آزادی" با همه دشواری‌ها و ضعف‌ها در مقام قیاس با دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و پیش‌تر از آن‌ها در رخدادهای سیاسی و اجتماعی سال‌های دهه ۱۳۹۰ نقشی برجسته‌تر و روی‌هم‌رفته پررنگ‌تری داشته‌اند. برای نخستین بار پس از سال‌ها کارگران مراکز مهم صنعتی مانند صنعت نفت خصوصاً کارگران، کارمندان، و تکنیسین‌های رسمی صنعت ملی نفت ایران و کارگران و کارکنان صنعت ذوب‌آهن ضمن تأکید بر خواست‌های صنفی - رفاهی با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری ابراز همبستگی کرده و حضورشان را در مقام یک طبقه مستقل کم‌وبیش نمایان‌تر ساختند.

مجموعه‌ای از عامل‌های عینی و ذهنی سبب مشارکت و حضور جدی‌تر طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی در خیزش "زن، زندگی، آزادی" بوده است. حزب ما در موضع‌گیری‌هایش در این زمینه این عامل‌های عینی و ذهنی را تا حد امکان ارزیابی کرده و به آن‌ها پرداخته است. بنابراین، از اشاره دوباره به این ارزیابی‌ها اجتناب می‌کنیم. چگونگی نقش کارگران و زحمتکشان در ارتباط با خیزش "زن، زندگی، آزادی" از مهم‌ترین بحث‌های جاری کنونی است. برپایه مباحث جاری در میان مبارزان هوادار تأمین منافع طبقه کارگر، سندیکالیست‌ها، و دیگر نیروهای مردمی، پاسخ به این پرسش‌ها اهمیتی اساسی دارد. چرا برای تقویت جنبش کارگری و حضور سازمان‌یافته‌اش در پیکار ضد دیکتاتوری باید مبارزه کرد؟ آیا سازمان‌دهی و تجهیز طبقه کارگر صرفاً به منظور ارتقای سطح مبارزاتی جنبش همگانی ضد دیکتاتوری و همراه آن مقابله با مداخله امپریالیسم است؟ رابطه میان تقویت جنبش ضد دیکتاتوری با استقلال عمل طبقاتی جنبش کارگری چیست؟ این‌گونه پرسش‌ها و پاسخ‌های ارائه‌شده به آن‌ها از آنجاکه سیاست، روش، و راهکارهای مبارزاتی را معین می‌کنند فوق‌العاده پر اهمیت هستند. پرواضح است تجربه مبارزاتی سالیان اخیر به ما ثابت می‌کند حضور متشکل و متحد کارگران و زحمتکشان در مبارزه ضد دیکتاتوری ولایی ضرورتی است سرنوشت‌ساز. هر چه میزان حضور و سطح سازمان‌دهی جنبش کارگری در پیکار همگانی ضد دیکتاتوری گسترده‌تر و ژرف‌تر باشد نه تنها به تقویت مبارزات مردمی منجر می‌شود، بلکه مهم‌تر از آن امکان تغییر توازن قوا به زبان ارتجاع و دیکتاتوری را بیشتر و دست‌یافتنی‌تر می‌سازد. پاسخ ما به پرسش چرایی و چگونگی تقویت جایگاه جنبش کارگری از این زاویه است. نکته مهم اینجاست که طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی به‌شمول زحمتکشان روستا، صرفاً و فقط در مقام نیرویی یاری‌دهنده و بدون هویت طبقاتی‌ای مستقل در پیکار همگانی ضد دیکتاتوری در نظر نباید گرفته شوند، بلکه با هویت طبقاتی‌ای مستقل باید در نظر گرفته شوند.

تقویت جایگاه جنبش کارگری در مبارزه سراسری توأم و همراه با انسجام سازمانی، ارتقای سطح سازمان‌دهی و رشد نظری - ایدئولوژیک به معنای بالا بردن آگاهی طبقاتی و نیز رشد آگاهی سوسیالیستی و به یک کلام تأکید بر هویت طبقاتی‌ای مستقل است.

## ستیز دیکتاتوری حاکم با استقلال کانون و کلا



رژیم ولایی با استقلال عمل هر نهاد صنفی، سندیکایی یا مردمی مخالفت می‌ورزد. کانون مستقل وکلا که در سال ۱۳۳۳ خورشیدی با همت و بیکار وکلای میهن‌دوست تأسیس شد یکی از آن نهادهای صنفی مستقلی به‌شمار می‌آید که در رژیم ولایی از حقوق زنان میهن‌ها و به‌ویژه از "جنبش زن زندگی آزادی" شجاعانه پشتیبانی و حمایت کرد. نسبت به حکم‌های صادر شده علیه بازیگران زن ایرانی و حجاب اجباری کانون مستقل وکلا واکنشی اعتراض‌آمیز نشان داد و مجازات‌های جایگزین حبس صادر شده برای آنان را صدور احکامی برای "تحقیق افراد" قلمداد کرد. صالح نیکیخت یکی از وکلای فعالان صنفی فرهنگیان و وکیل مدافع خانواده ژناب امینی است. اتهام تبلیغ علیه نظام بابت مصاحبه‌های صالح نیکیخت با برخی رسانه‌های خارجی و داخلی در مورد مسئله کولبری، برخورد خشن نیروی انتظامی با افغان‌ها، موتورسواری بانوان، مصاحبه با روزنامه اعتماد در مورد تشریح روند پیگیری قضایی پرونده مهسا امینی، و جز این‌ها، به ایشان تهمین اتهام شده است.

رژیم در ادامه یورش‌هایش به وکلای متعهد و مستقل با تصویب مصوبه‌هایی که حتی با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرند قصدش از بین بردن استقلال کانون وکلا و تضعیف این نهاد است. در برنامه هفتم توسعه (مواد ۴ و بند ۱ ماده ۱۱۳) اختیار صدور، تمدید و ابطال پروانه از کانون‌های وکلا گرفته شده که این برنامه برخلاف استقلال ذاتی نهاد وکالت است. این ماده در کمیسیون تلفیق تصویب شده و تصویب نهایی آن ضربه‌ای سخت بر پیکر این نهاد و درنهایت به‌معنای انحلال قانونی نهاد مستقل وکلا با ۷۰ سال سابقه است.

در اعتراض به مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی در نقض استقلال نهاد وکالت، روز پنجشنبه دوم شهریورماه جمعی از وکلای دادگستری در کرمانشاه، یزد، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، و آذربایجان غربی مقابل ساختمان کانون وکلای مراکز این استان‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند و هیئت رئیسه "اسکودا" (اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا دادگستری ایران) و رؤسا و اعضای هیئت مدیره کانون‌های وکلای دادگستری ایران و نیز جمعی از وکلای سراسر کشور صبح روز چهارم شهریورماه مقابل شورای نگهبان تجمع کردند و خواستار رد این مصوبه از سوی شورای نگهبان شدند.

پیش‌تر نیز تصویب طرح‌هایی همچون قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و نیز اجازه حضور نمایندگان حقوقی مؤسسات و شرکت‌های خصوصی در محاکم به‌جای وکیل دادگستری و نیز طرح تحقیق و تفحص از کانون‌های وکلای دادگستری اعتراض و انتقاد شدید کانون‌های وکلا را برانگیخت. به‌گفته مهدی حجتی، عضو سابق هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری "نمایندگان مجلس در دوره یازدهم به‌جای نمایندگی از ملت، در جایگاه نمایندگی از اقلیتی مخالف نهاد وکالت کشور با دیدگاه‌های اقتصادی لیبرال قرار گرفته‌اند."

در همین ارتباط حسن صفادوست، رئیس کانون وکلای مرکز، گفت: "این مصوبات برخلاف مقررات بین‌المللی مربوط به اتحادیه کانون‌های وکلای جهانی است. ... با اقداماتی که در پیش گرفته‌اند استقلال کانون ۱۰۰ درصد زیر سؤال می‌رود؛ گویا می‌خواهند کاری کنند که استقلال کانون را بگیرند." رژیم ولایی، فعالیت‌های مستقل و مرفی وکلا و کانون وکلا را مانند خاری در چشمانش تحمل‌ناپذیر می‌بیند و درصدد انهدام فعالیت مستقل آن برآمده است. در میهن ما تمامی بازوهای سرکوبگر رژیم از جمله قوه قضائیه، مجلس، دولت، و سپاه پاسداران تحت اوامش و گوش به فرمان ولی فقیه و در هماهنگی با یکدیگر هستند. با حاکمیت اسلام سیاسی، فساد ساختاری در تمام ارکان رژیم از جمله قوه قضائیه ریشه دوانده است و این نهاد وابسته به ولی فقیه به یکی از اجزای ماشین سرکوب تبدیل شده است.

اعتراض‌های به‌حق و شجاعانه وکلای دادگستری، کانون مستقل وکلا، و اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا دادگستری ایران علیه تهاجم رژیم به منافع و حقوق صنفی آنان بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه همگانی مردم میهن‌ها ما علیه دیکتاتوری حاکم است. باید قاطعانه از استقلال کانون وکلا و خواست‌های وکلای دادگستری حمایت کنیم.

### ادامه یوبه پیدایش سندیکاهای کارگری ...

فعالیتی مشخص ارایه دهد. بر همین اساس، حزب به ایجاد تشکل‌های مخفی در میان کارگران نفت جنوب اقدام کرد و توانست سازمانی نسبتاً منسجم را به‌وجود آورد. تشکل مخفی با انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌ها، اقدام‌هایی را برای تشکیل کنفرانس اتحادیه‌های انجام داد که در پی این تلاش‌ها در اواخر سال ۱۳۰۶ کنفرانسی با شرکت ۲۰۰ نماینده تشکیل شد.

کنفرانس تصمیم گرفت تا علیه نفاق‌ها و اختلاف‌هایی که کمپانی نفت جنوب [شرکت نفت انگلیس و ایران] در میان کارگران اشاعه داده بود مبارزه کند و سازمان خود را تحکیم کند. در بهمن‌ماه سال ۱۳۰۷ نیز با تلاش کمیته ایالتی حزب کمونیست ایران، کنفرانس دوم اتحادیه کارگران نفت جنوب برگزار شد. مجله "ستاره سرخ" تعداد اعضای این سازمان را سی‌هزار نفر نوشت.

کنفرانس علاوه بر تصمیم‌های سازمانی (ازجمله برای بسط اتحادیه و جز این‌ها) یک رشته تصمیم‌های سیاسی نیز گرفت که تقاضای تجدیدنظر در اختیار نفت جنوب و داشتن حق حضور در اعتصاب اول ماه مه را دربر می‌گرفت. کمپانی با آگاه شدن از تصمیم‌های اتحادیه، در ۹ اردیبهشت‌ماه همان سال ۹۳ نفر از فعالان و کارگران عضو اتحادیه را بازداشت کرد و به‌این طریق اجرای برنامه اعتصاب اول ماه مه را عقیم کرد. ولی کارگران از پا ننشستند و چند روز بعد تصمیم‌شان به انجام اعتصاب را عملی کردند. به‌این ترتیب یکی از مهم‌ترین اعتصاب‌های تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی ایران در سال ۱۳۰۷ سازمان‌دهی شد.

**پایان بخش دهم - ادامه دارد.**

### ادامه اسپانیا: ضرورت مبارزه متشکل ...

برخی آن را ارزان و برخی دیگر گران می‌خواهند. آنان همچنین با استفاده از نیروی کار در فرایند تولید مواجه هستند، جایی که برخی می‌خواهند آن را بچلانند و برخی دیگر مراقب حفظ آن هستند. حتی موقعیت‌های آرام نیز لحظه‌هایی از مبارزه طبقاتی اجتناب‌ناپذیر هستند که در تضاد منافع اشاره شده در بالا ریشه دارد. یا به این دلیل که آنان از نتایج مبارزات قبلی استفاده می‌کنند، یا به این دلیل که فقط زمینه را برای مبارزات آینده آماده می‌کنند، توهم یک تکامل اجتماعی صلح‌آمیز درنهایت از بین می‌رود. با این حال، مبارزه طبقاتی تضمین‌کننده پیروزی یا موفقیت نیست، بلکه تنها راه ضروری‌ای است که در آن توسعه اجتماعی در جامعه‌های کنونی صورت می‌گیرد، زیرا به‌طورمتوالی، تضاد را به درون آنان وارد می‌کند یعنی تقسیم جامعه به دو بخش طبقات اجتماعی. در مواجهه با این موضوع، فرد حقوق‌بگیر می‌تواند تمام حواس پنج‌گانه‌اش را در فروش نیروی کارش به کار ببرد یا این باور که این تضمین می‌کند که سرمایه‌دار قصد خرید آن را دارد، فیتیشسیم نیروی کار آگاهی او را تیره خواهد کرد تا اینکه یک روز از خواب بیدار شود و بفهمد که پشت سرودهایی که در شبیور فردگرای، ضد سندیکایی، و ضد دولت‌گرایی، نواخته می‌شوند، گزینه دیگری دارد: "در سندیکا متحد شو و مبارزه کن!"

**نویسنده: پدرو آندرس گونزالز روئیز (Pedro Andre s Gonz lez Ruiz) فارغ‌التحصیل اقتصاد و سندیکالیست است.**

Unionize, fight and vote

Pedro Andrés González Ruiz | 05/06/2023



ارزش نیروی کار با ارزش وسایل زندگی تعیین می‌شود که پس از تبدیل آن توسط کار خانگی، امکان بازتولید نیروی کار فراهم خواهد شد. چه نیروی کار فرسوده پس از گذر از فرایند تولید و چه نیروی کار آینده که هنوز در حال شکل‌گیری و منفعل است.

اما در اینجا در بازار کار، متوجه می‌شویم که خریدار آن، سرمایه‌دار، نیروهای کار زیادی برای انتخاب دارد. از این‌روی، کارکرد بیکاری یا ارتش ذخیره کار چیزی نیست. بنابراین، سرمایه‌داران یکی‌یکی می‌توانند خرید زیر ارزش نیروی کار را تکمیل کنند. نکته دیگر این است که اگر این رفتار سرمایه‌های فردی تعمیم یابد و در طی زمان طولانی شود، نیروی کار جامعه را تا حدی به مخاطره می‌اندازد چندان که بازتولید خود سرمایه را هم به خطر می‌اندازد. اما این چیزی است که سرمایه‌داران منفرد در موقعیتی برای رفع آن نیستند. به همین دلیل نماینده سیاسی سرمایه اجتماعی یعنی دولت، باید در مورد موضوع اقدام کند و مدیریت اجتماعی بازتولید نیروی کار را در ابعاد گوناگون آن برعهده بگیرد: بهداشت، آموزش، بیمه بیکاری، حقوق بازنشستگی (و شاید اگر فاجعه زیست‌محیطی آن را چاره‌جویی نکند، درآمد پایه روزانه)، و جز این‌ها.

از آنجایی که کارگران یک‌به‌یک در موقعیت فرودستی در برابر سرمایه‌دار قرار دارند، مزدگیران به‌زودی متوجه می‌شوند که تنها اتحاد و سازمان‌دهی آنان در سندیکاها [برای دفاع از حقوق صنفی] می‌تواند فروش نیروی کارشان را پشتوانه ارزش آن کند. و نه بیشتر، زیرا تنها سرمایه‌داران قدرت را در شرکت‌ها حفظ می‌کنند (آنان تصمیم می‌گیرند چه چیزی، چقدر، کجا، و چگونه تولید کنند)، بلکه برای مقابله با کارگران سازمان‌یافته متحد می‌شوند، تا با تکرار نشدن اینکه اعتصاب به کارگرانی که جمعی عمل نمی‌کنند یادآوری کند که آنان اضافی هستند. بنابراین طبقه کارگر از دو سلاح، محصول همبستگی، که سرمایه نشان می‌دهد، باید استفاده کند: مبارزه از طریق سندیکاها تا ارزش نیروی کار را با فروش جمعی آن تضمین کند و مبارزه برای وادار ساختن دولت به اجرای سیاست‌هایی که بازتولید عادی و بدون تحلیل رفتن نیروی کار گذشته، حال، و آینده جامعه را تضمین کند. درست است که بین مبارزه و مبارزه گاهی آرامش اجتماعی حاکم است. مبارزه طبقاتی اگرچه نهفته است، اما وجود دارد. تضاد منافع بین گروه‌هایی که در فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کنند (سرمایه‌داران و مزدگیران) وجود دارد و نمی‌توان از آن اجتناب کرد. تنها در خرید و فروش نیروی کار نیست که **ادامه در صفحه ۳**



## اسپانیا: ضرورت مبارزه متشکل در سندیکاهای کارگری برای تأمین منافع صنفی و رفاهی: «در سندیکا متحد شو، مبارزه کن!»

سقوط دستمزد واقعی در اقتصادها جلب توجه می‌کند. پس از اولین لحظه، در آغاز سال ۲۰۲۲ / ۱۴۰۱ که تورم افزایشی توقف نشدنی از خود نشان می‌داد، دشمنان دستمزد از طریق ماریپیج دستمزد-قیمت در مورد خطرهای دور دوم تورم هشدار می‌دادند. یک‌سال‌ونیم بعد، برخی پس از تأیید عدم ظهور ماریپیج ترسناک، از کاهش قدرت خرید طبقه حقوق‌بگیر هشدار می‌دهند. در طول سال گذشته، در اسپانیا، دستمزدهای توافق‌شده در توافق‌نامه، ۲٫۹ درصد افزایش یافت، در حالی که قیمت‌ها ۸٫۶ درصد افزایش یافتند، بنابراین قدرت خرید دستمزدها که به‌عنوان دستمزدهای واقعی شناخته می‌شوند، ۵٫۷ درصد کاهش یافتند. لازم به یادآوری است که ما در مورد افزایش دستمزدهای توافقی صحبت می‌کنیم، ما نمی‌خواهیم از پیشرفت دستمزدها در شرکت‌هایی که چنین توافق‌هایی وجود ندارد چیزی بدانیم. این کاهش دستمزد واقعی بیش‌ترین کاهش از سال ۲۰۰۸ / ۱۳۸۷ به این سواست. اما این پدیده منحصر به اسپانیا نیست، گرچه در اسپانیا خود را حادثه نشان داده است. در داده‌های سالانه برای سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۲ / ۱۴۰۱، گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او.ا.ی.سی، سی، دی) نشان می‌دهد در حالی که از دست دادن قدرت خرید در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۳٫۳ درصد بود، در اسپانیا ۵٫۴ درصد بود. فقیر شدن حقوق‌بگیران در برخی موارد چشمگیر است، زیرا همان‌طور که گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اشاره می‌کرد، ۱۲ درصد از کارگران اسپانیایی به‌اندازه کافی درآمد نداشتند تا از فقر بیرون بیایند، این یکی از بدترین داده‌ها همراه با ایتالیا و رومانی در اتحادیه اروپا است. این نابرابری اقتصادی به‌معنای تضعیف انسجام اجتماعی است. این موضوع اهمیت می‌یابد اگر رشد سود شرکت‌ها را در نظر بگیریم که داده‌های کم‌تری برای آن وجود دارد، زیرا رصدخانه‌هایی برای این منظور وجود ندارد. در این میان ما به دنبال قانونی هستیم که حفظ قدرت خرید دستمزدها را تضمین کند، قانونی که اتفاقاً به‌طور ناخوشودنی فراموش شده است، شاید خوب باشد با یادآوری برخی از رویکردهای منتقد اقتصاد سیاسی شروع کنیم که به درک این وضعیت کمک کند. فرد حقوق‌بگیر در مقام تولیدکننده و فروشنده نیروی کارش، با به‌کار بردن حواس پنج‌گانه‌اش، تلاش می‌کند کالای خود را بفروشد. درواقع، همان‌طور که آزاد است هم به‌دلیل نداشتن روابط شخصی با خریدار خود و هم به‌دلیل نداشتن ابزار تولید، فروش نیروی کارش تنها راه مشارکت در مصرف اجتماعی لازم برای زندگی خود و خانواده‌اش است. مانند هر کالایی، در شرایط عادی [نیروی کار] به‌قیمت ارزش آن فروخته می‌شود.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۷۶  
Nameh Mardom - Workers Supplement No.76

11 September 2023

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

